

Comparative study of the issue of justice in justice-oriented movements (from 1963 to 1978)

Jalal Derakhsheh¹, Sajjad Rafiean²

Date of Received: 2025/06/04

Date of Acceptance: 2025/09/20



۴۵


مطالعه تطبیقی مسئله عدالت در جریان‌های عدالت‌گرا ..

Abstract

In the last two decades of her reign, Pahlavi II undertook fundamental changes in the structures of Iranian society. The second Pahlavi modernization projects intensified the divisions and contradictions of Iranian society, which, in turn, led to poverty, discrimination, injustice, and the urban-rural divide, among the effects of this modernization. The inequalities in society have placed the issue of social justice at the center of society's intellectual movements, and justice-oriented movements have offered solutions to overcome the current situation. The main issue of the present study is: "What are the differences and similarities of justice-oriented movements in Iranian society from 1963 to 1978?" The present study will examine the three left-wing movements, the revolutionary clergy, and the freedom movement, using descriptive-analytical and ultimately comparative methods, and will reconstruct the four stages of Spriggans' crisis

1. Professor, Department of Political Science, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. (Responsible author), derakhsheh@isu.ac.ir

2. PhD student in Political Sociology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. Sajjad74rafiyan@gmail.com

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

theory in each of the aforementioned movements. The research findings show that despite originating from different intellectual streams, justice-oriented movements have recognized the crisis of justice as the fundamental foundation of disorder in Iranian society. However, based on different intellectual foundations, they have presented different perspectives on the path to healing and the image of a revived society.

Keywords: Current, Justice-oriented, Crisis Theory, Springs, Social Justice



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۴۶

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

مطالعه تطبیقی مسئله عدالت در جریان های عدالت گرا (از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷)

جلال درخشه^۱سجاد رفیعیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۴۷

مطالعه تطبیقی مسئله عدالت در جریان های عدالت گرا ..

چکیده

پهلوی دوم در دو دهه پایانی سلطنت خود دست به تحولات اساسی در ساختارهای جامعه ایرانی زد. پروژه های نوسازی پهلوی دوم شکاف ها و تضادهای جامعه ایرانی را شدت بخشید که در مقابل فقر، تبعیض، بی عدالتی، شکاف شهر و روستا از جمله اثرات این نوسازی محسوب می شود. نابرابری های موجود در جامعه موجب شد تا مسئله عدالت اجتماعی در مرکز جریان های فکری جامعه قرار گرفته و برای برون رفت از وضعیت موجود جریان های عدالت گرا راه حل هایی ارائه دهند. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که «وجوه تفاوت و تشابه جریان های عدالت گرا در جامعه ایرانی در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ چه می باشد؟ پژوهش حاضر با استفاده از روش های توصیفی - تحلیلی و در نهایت مقایسه ای به بررسی سه جریان چپ، روحانیت انقلابی و نهضت آزادی خواهد پرداخت و مراحل چهارگانه نظریه بحران اسپریگنز را در هریک از جریان های مذکور بازسازی خواهد کرد. یافته های پژوهش نشان می دهد جریان های عدالت گرا علی رغم آنکه از جریان های فکری مختلفی سرچشمه گرفته اند، بحران عدالت را به عنوان زیربنای اساسی بی نظمی در جامعه ایرانی تشخیص داده اند اما براساس مبانی فکری مختلف، دیدگاه های متفاوتی در راه در مان و تصویر جامعه احیا شده ارائه داده اند.

واژه های کلیدی: جریان، عدالت گرا، نظریه بحران، اسپریگنز، عدالت اجتماعی

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، derakhsheh@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

Sajjad74rafiyan@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

جریان های عدالت گرا در دهه های منتهی به انقلاب اسلامی توانستند با بازسازی جامعه آرمانی و احیاء شده از منظر عدالت اجتماعی به روند انقلاب و پذیرش ضرورت آن برای همه گروه ها نقش پررنگی ایفا کنند. عدالت خواهی نه تنها در میان گروه های تحول خواه انقلابی بلکه حتی در گروه های سلطنت طلب و حامی پهلوی نیز مشاهده شده که نابرابری و بی عدالتی در اجتماع را علت وقوع انقلاب اسلامی تحلیل کرده اند. تحولات فکری جریان های عدالت گرا، اندیشه عدالت خواهی معاصر ایران را قوام داد و توانست پس از تحولات انقلابی خود را مطالبات گروه های مختلف بازتاب دهد.

تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سال های منتهی به انقلاب اسلامی همزمان با طرح اندیشه های عدالت خواهانه مقدمه ظهور نظم جدید در تاریخ ایران معاصر را پدید آورد. نتایج نوسازی پهلوی دوم، در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ شمسی زمینه های نابرابری جامعه ایران را فراهم کرد. انقلاب سفید شاه و مردم موجب تضعیف کشاورزی و تقویت بخش های صنعتی و خدماتی شد که متعاقب آن با گسترش شهرنشینی همراه بود. از سوی دیگر استبداد سیاسی، فساد اقتصادی و محرومیت های اجتماعی در رژیم شاه بخش های وسیعی از جامعه را با بحران عدالت درگیر کرد. جریان های عدالت گرا در این دوره که ریشه در جریان های فکری ایران معاصر داشتند، برای برون رفت از وضعیت بی عدالتی در جامعه ایده ها و طرح های خود را ارائه دادند.

جریان های عدالت گرا در این دوره با نقد وضعیت موجود آگاهی سیاسی - اجتماعی جامعه را ارتقا داده و با ارائه تصویر جامعه احیاء شده به نیروهای اجتماعی این جریان ها، ضرورت انقلاب برای تحقق عدالت اجتماعی را بر همگان روشن ساختند. در مجموع جریان های مذکور با شناسایی مصادیق فقدان عدالت و نقد نابرابری موجب رشد مطالبه گری شده و به تقویت جریان های عدالت گرا کمک کردند. منازعات فکری میان جریان های مطرح در این دوره با قوت گرفتن اندیشه های عدالت خواهانه و انقلابی چپ آغاز شد و به موازات نابرابری های جامعه ایرانی، ایده پردازی در خصوص عدالت در همه جریان ها مشاهده شد.

پژوهش حاضر با استفاده از چارچوب نظری بحران توماس اسپریگنز در تلاش است تا مراحل چهار گانه هر یک از جریان های مذکور در زمینه اندیشه های عدالت گرا در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را بررسی کرده و در نهایت از رهگذر مقایسه میان جریان های مختلف عدالت گرا به تبیینی از وجوه تفاوت و تشابه این جریان ها در مسئله عدالت اجتماعی دست دهد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های باسی جهان اسلام
جمعه تر است اعلام اسلامی

۴۸

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

به همین منظور پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «اصلی ترین جریان های عدالت گرا براساس نظریه بحران در جامعه ایرانی در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ چه تفاوت ها و شباهت هایی باهم دارند؟ پرسش های فرعی پژوهش نیز شامل این موارد می باشد: از نظر هریک از جریان های مطرح فکری در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در ایران علت اصلی بی نظمی چیست؟ به چه عللی عدالت استقرار نیافته است و راه کارهای استقرار عدالت از نظر هریک از این جریان ها چیست؟ لذا بدین منظور در جریان عدالت گرای چپ به دو دسته چپ مارکسیسم و میانه به دیدگاه های افرادی همچون بیژن جزنی، احسان طبری، خلیل ملکی و محمد نخشب، از جریان روحانیت انقلابی دیدگاه های امام خمینی (ره) و شهید بهشتی و در نهایت از جریان نهضت آزادی اصلی ترین دیدگاه های مهندس مهدی بازرگان و آیت الله طالقانی برگزیده و با روش مقایسه ای گردآوری شد.

پژوهش حاضر براساس این فرضیه بنا شده است که جریان های عدالت گرا در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در شرایط نابرابر ساز اقتصادی دوران پهلوی عدالت اجتماعی را یکی از بحران های اصلی جامعه ارزیابی کرده اند اما این جریان ها با توجه به مبانی فکری مختلف راه درمان و علل مختلفی را برای این بحران ارائه داده اند.

پیشینه پژوهش

پژوهش های منتشر شده در خصوص جریان های عدالت را می توان در چند دسته بندی ارائه کرد. دسته نخست از مقالات منتشر شده پیرامون موضوع تحقیق مقالاتی است که به بررسی گفتمان های عدالت و عدالت خواهی در دولت های و یا بازه های زمانی مختلف در جمهوری اسلامی پرداخته که با مقایسه میان دولت ها سیر عدالت، برداشت از عدالت و رویه های اجرای آن را به بحث و بررسی گذاشته اند. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۷) در مقاله «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی» به بررسی تحول مفهوم عدالت در دولت های مختلف جمهوری اسلامی پرداخته است. قریشی، فردین و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «تحول گفتمان عدالت در ایران، مطالعه موردی دولت های محمود احمدی نژاد و حسن روحانی» به بررسی دال های متفاوت گفتمان عدالت در این دولت ها پرداخته اند. در دولت احمدی نژاد دال مرکزی «حمایت از توده فرودست» بوده در حالی که در دولت حسن روحانی «اعتدال و توسعه» به عنوان دال مرکزی گفتمان دولت قرار گرفته است. همچنین جباری، محمد حسن (۱۳۹۴) در مقاله «عدالت در اندیشه و عمل نخبگان جمهوری اسلامی» با بررسی تاثیر پذیری نخبگان سیاسی از



اندیشه های اسلامی، لیبرالیستی و سوسیالیستی در مقوله عدالت به این نتیجه دست زده که دولت های مختلف به دنبال تحقق تک ساحتی نیازهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده اند.

دسته دیگری از پژوهش های منتشر شده به بررسی جریان های عدالت در اندیشه رهبران و متفکرین جمهوری اسلامی پرداخته است. در این مقالات پژوهشگران تلاش کرده اند تا ضمن بررسی جریان عدالت در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی به کاربرت این دیدگاه ها در جمهوری اسلامی نیز توجه داشته باشند. جمشیدی، محمد حسین و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله «مفهوم و شاخصه های عدالت سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره)» (با تاکید بر نظریه عدالت سیاسی راولز) «کوشیده اند تا ویژگی های عدالت سیاسی در نظر رالز را بررسی نمایند. دانشی کهن، زهره (۱۴۰۲) در مقاله «بازشناسی و تبیین پیش انگاره های تفسیری آیت الله العظمی خامنه ای در تحقق عدالت اجتماعی» به مسئله اهمیت عدالت اجتماعی نسبت به عدالت فردی در اندیشه رهبر انقلاب پرداخته است. از منظر نویسنده عدالت اجتماعی در اندیشه آیت الله خامنه ای در دفاع از مظلوم و اقتدار در صحنه بین المللی و خداترسی کارگزاران محقق خواهد شد. واحدی، سعید و دیگران (۱۴۰۳) در مقاله «جایگاه عدالت خواهی در اندیشه مطهری و تبلور آن در گفتمان انقلاب اسلامی» به بررسی این نکته پرداخته اند که انقلاب اسلامی در واقع گفتمانی عدالت محور بوده است و اندیشه های شهید مطهری در زمینه عدالت یکی از پایه های اصلی این گفتمان محسوب می شود.

دسته دیگری از مقالات منتشر شده در خصوص مسئله عدالت اجتماعی در ایران به بررسی آسیب شناسی و چالش های نظری اجرای عدالت پرداخته اند. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸) در مقاله «آسیب شناسی گفتمان عدالت در دولت دینی» بدین نتیجه رهنمون شده است که تحقق عدالت در راستای بهره گیری صحیح از منابع و سرمایه های مادی و معنوی در جهت تحقق منافع عموم و ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی صرفاً به خاطر مطالبات مردمی نیست، بلکه برقراری گفتمان عدالت، یک باور دینی و وظیفه ای الهی است که خداوند برای انجام آن از عالمان عهد و پیمان گرفته است. بهروز لک، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله «چالش های نظری عدالت اجتماعی در دولت های جمهوری اسلامی ایران» به بررسی چالش های مهم نظری در باب عدالت اجتماعی در گفتمان های حاکم بر دولت های جمهوری اسلامی پرداخته اند. عدم تعمیق مفهوم عدالت اجتماعی، فقدان اجماع نظری درباره مفهوم عدالت اجتماعی بین دولتمردان و گسست و عدم تداوم عدالت اجتماعی در گفتمان های جمهوری اسلامی از مهم ترین چالش های دولت های مختلف جمهوری اسلامی در عدالت اجتماعی



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

۵۰

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲



محسوب شده است. همچنین رضایی، جعفر و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «آسیب شناسی الگوی عدالت در دولت های جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه های مطهری و امام خمینی (ره)» به پاسخ به این سوال پرداخته اند که علی رغم آنکه عدالت اجتماعی یکی از شعارهای جمهوری اسلامی بوده است اما چرا مسئله عدالت در کارنامه جمهوری اسلامی تا به امروز وضعیت مطلوبی نداشته است. مقاله فوق اجرای برنامه های توسعه در دولت های بعد از انقلاب را مورد واکاوی قرار داده تا میزان انحراف آن ها از مفهوم عدالت از دیدگاه رهبران انقلاب را بررسی نماید.

اما آخرین دسته از پژوهش های صورت گرفته در حوزه عدالت اجتماعی به مقایسه دیدگاه های متفکرین مسلمان و اندیشمندان غربی پرداخته اند. عباس تبار، رحمت و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «عدالت سیاسی در اندیشه شهید مطهری و راولز در یک نگاه تطبیقی» به این مسئله پرداختند که عدالت سیاسی در اندیشه شهید مطهری ذیل اندیشه عدالت اجتماعی قرار دارد و اصول آزادی، دموکراسی و عمل به قوانین منبث از حقوق واقعی انسان ها را به عنوان پایه های عدالت و توازن اجتماعی است. نوراحمدی، محمد جواد (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تجربی اندیشه های جان رالز و محمدباقر صدر درباره عدالت اقتصادی (رویکرد اقتصاد آزمایشگاهی)» با اجرای آزمایشی در میان ۱۵۰ نفر از دانشجویان مدعی اند نظریه عدالت شهید صدر در موقعیت های مختلف تصمیم گیری تاثیر بیشتری می گذارد. منصور نژاد، محمد (۱۳۹۱) در مقاله «نسبت توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام» دیدگاه های سه مکتب مذکور در خصوص عدالت و توسعه را بررسی کرده اند. در نگاه لیبرال ها عدالت با توسعه هماهنگ است و توسعه یافتگی در نهایت هدف این مکاتب است اما در اسلام هرگونه هدف گذاری توسعه با عدالت قابل جمع نیست و تکامل در همه ابعاد غایت اساسی است.

واکاوی جریان های عدالت خواهی منتهی به انقلاب اسلامی در چارچوب نظریه بحران اسپریگنز به عنوان نوآوری پژوهش حاضر می تواند فارغ از مناقشات فکری در حوزه عدالت، راه کارهای عملیاتی این جریان ها را به نقد بنشیند. از سوی دیگر تحلیل نظام مند جریان های عدالت خواهانه، علاوه بر فهم بهتر تاریخ اندیشه های عدالت خواهانه در ایران به توسعه نظری و عملی عدالت اجتماعی کمک خواهد کرد.

چارچوب نظری: نظریه بحران توماس اسپریگنز

اسپریگنز^۱ در نظریه خود برای شیوه جستار و ارائه چارچوبی برای فهم نظریه های سیاسی پنج مرحله را

1. Sprignes, T

برمی‌شمرد. از نظر وی نظریه پردازان سیاسی صرف نظر از اختلاف چشمگیر در سبک و مفاهیم، نه تنها با مسادل اساسی یکسانی سروکار دارند، بلکه برای پاسخ‌گویی به این مسائل روشی نسبتاً همگون اتخاذ کرده‌اند. اسپریگنز مدعی است نظریات سیاسی با همه تفاوتی که با هم دارند، اما در منطق درونی روند مشابهی را اتخاذ کرده‌اند. از نظر وی نظریه‌های سیاسی نوعی درمان روانی جامعه سیاسی است. نظریه پرداز ژرف اندیش از محدودیت‌های محیط اطراف خود فراتر می‌رود. اما مسائلی که برای وی مطرح شده است در برگزیده و نماینده مسائلی از نظم سیاسی است که به کلیه زمان‌ها و مکان‌ها مربوط می‌شوند (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۵۶).

مرحله نخست: مشاهده بی‌نظمی

هدف اساسی نظریه پردازان ارائه راه‌حلی برای «مشکلات» است. البته مشکلات زندگی سیاسی صرفاً به معضلات فکری انسانی اختصاص ندارند، بلکه بحران‌های موجود را نیز شامل می‌شوند که در واقع نقطه آغاز کار نظریه پرداز سیاسی است. به عبارت دیگر نظریه پرداز از بحران‌های سیاسی، که جامعه با آن‌ها درگیر است، آغاز می‌کند. به نظر می‌رسد که تقریباً تمام نظریه پردازان سیاسی از مشاهده بی‌نظمی در زندگی سیاسی آغاز می‌کنند. هر از گاهی نظریه پردازانی پیدا می‌شوند که کاملاً از وضع موجود راضی هستند و صرفاً کنج‌کاوی فکری آن‌ها را برآن داشته که بنیان‌های نظم موجود را مورد بررسی قرار دهند (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۳۹).

بحران‌هایی که نظریه‌پردازی را موجب می‌شوند به اشکال متعدد ظاهر می‌شوند. بحران ممکن است برای همه روشن باشد- حداقل در سطح پیدا شدن علایم و نشانه‌ها- و تمام افراد جامعه را در بر بگیرد و بر زندگی همه اثر بگذارد. در هم‌گسیختگی‌ها و مصیبت‌های گسترده‌ای که به صورت جنگ‌های داخلی و بحران‌های اقتصادی جوامع انسانی را گرفتار می‌کنند، مثال‌های بسیار واضحی است. اگر همه با همسایگان خود در جدال باشند، احتمالاً تنها گروه کوچکی ممکن است انکار کنند که باید به مشکلات مبرم جامعه توجه کرد. هدف نظریه‌های سیاسی نهایتاً فهم و توضیح نظم صحیح در جامعه است اما این هدف از مشاهده خرابی و بی‌نظمی آغاز می‌شود (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۵۱-۵۲). بنابراین برای فهم افکار یک نظریه‌پرداز سیاسی اولین سوال این است: مشکل او کدام است؟ چه چیزی او را برانگیخته تا تعمق و تفکر ذهنی را به صورت نظریه سیاسی منسجم و اساسی به رشته تحریر درآورد. هدفش کدام است؟ چه نارسایی و بی‌نظمی مشخصی را می‌خواهد درمان کند؟ (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۵۴).



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت‌ترانس‌العلم‌الاسلامی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۲

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

مرحله دوم: تشخیص علل

در مرحله تشخیص علل مسئله تا حدودی از مشاهده بی‌نظمی نشأت می‌گیرد، زیرا مرحله مشاهده بی‌نظمی علائم مرض‌هایی را نشان می‌دهد که علل آن مورد مطالعه است. نظریه پردازی که در کارکرد جامعه سیاسی کثری مشاهده کرده است، بیشتر به پزشکی می‌ماند که علائم مرضی را کشف کرده است. هیچ‌یک از این دو نمی‌توانند در این مرحله کار را متوقف کنند. صرف تشخیص علل کافی نیست، بلکه ریشه‌های بنیادی مرض را باید کشف کرد... به طور خلاصه نظریه پرداز سیاسی، مانند یک پزشک، با وظیفه «تشخیص درد» رو به رو است. نظریه پرداز در این مرحله از پژوهش باشد نقش تحلیل‌گری را بازی کند. او به ناچار باید مرحله کاملاً دقیق و منحرف‌کننده دسته‌بندی روابط علت و معلولی را در این دنیای پیچیده پشت سر بگذارد، چرا که تا وقتی علل مشکل مورد سوال روشن نشود، درک واقعی آن عملی نیست و از طرفی نظریه پرداز بدون روشن شدن علل واقعی نمی‌تواند پیشنهادات مناسبی برای درمان یا تسکین مشکل ارائه کند (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۸۰).

مرحله سوم: تصویر جامعه احیا شده

در این مرحله نظریه پرداز جامعه‌ای را تصویر می‌کند که در آن مشکل یا معضل سیاسی به شیوه موثری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با آن برخورد شده است. او در این مرحله معمولاً تخیلات خود را به خدمت می‌گیرد و می‌کوشد تصویر یک نظم سیاسی را که در زمان او وجود ندارد، ترسیم کند. تصویر جامعه احیا شده به جسم شناور می‌ماند. این مرحله ظاهراً باید قبل از ارائه راه حل بیاید ولی ممکن است قبل یا بعد از تشخیص علل بی‌نظمی ارائه شود (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۴۰-۴۱).

مشاهده بی‌نظمی به غیر از مشکل تشخیص علل، مسئله دیگری را نیز مطرح می‌کند. این مسئله موضوع نظم سیاسی درست است. اگر شخصی اوضاع سیاسی را که در آن زندگی می‌کند، به نحوی نامنظم تشخیص دهد، معنی اش این است که نظام مرتب و درست می‌تواند به وجود آید. از این رو نظریه پرداز باید به این سوال جواب بدهد که اگر این اوضاع خراب است، اوضاع درست کدام است؟ کوشش نظریه پرداز برای نشان دادن تصویر جامعه سیاسی نظم یافته در نقطه مقابل مشاهده او از بی‌نظمی ادامه پیدا می‌کند... نظریه پرداز باید نشان دهد که جامعه سازمان یافته چه نوعی جامعه‌ای است... به زبان دیگر فشارها، بحران‌ها، در هم ریختگی‌ها و نابسامانی‌های نظام قدیم نظریه پرداز را وادار می‌کنند تا در فکر خود به بازسازی نظام سیاسی جدیدی پردازد... نظریه پرداز باید الگوی جامعه خوب را در ذهن



تصویر کند و معیاری هم برای آن به دست دهد. با این تعبیر نظریه های سیاسی تصویرهایی نمادین از جامعه بازسازی شده ارائه می دهند. نظریه پرداز اگر می خواهد راه حل عقلایی ارائه کند، باید تا حدی چراهای علل مشکلات را جواب بگوید (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۸۰).

بازسازی ذهنی جامعه به کمک تصویر آرمانی نظریه پرداز در پی حقایقی درباره دنیا، سیاست و انسان است... هدف آرمانشهر این نیست که آن چه را که رخ داده است نشان دهد، بلکه امکانات بالقوه بشر را توصیف کند، بیان کننده قابلیت های و امکانات سیاسی است و نه واقعیت ها... مشاهده بی نظمی منطقی معنی اش این است که اوضاع منظم و عاقلانه ای وجود دارد و وظیفه نظریه پرداز است که طرح آن اوضاع را منظم را ترسیم کند. بنابراین نظریه پرداز پس از بررسی و مطالعه دقیق تک تک نارسایی های وضع موجود، که او را برای جستار اولیه برانگیخته است، تصویر جامعه بازسازی شده را می کشد (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۲۲).

مرحله چهارم: راه درمان

نظریه های سیاسی نتایج تجویزی مهمی دارند. وقتی برداشت انسان از واقعیت دنیای سیاست شکل می گیرد، به طور حتم رفتار انسان نیز از آن تاثیر می پذیرد. بنابراین جنبه تجویزی نظریه های سیاسی استنتاج هایی هستند برای عکس العمل عاقلانه، مناسب و عقلایی در جهانی که ساخت ویژه ای دارد... بینش سیاسی جامعه پیامدهای جامعی در رفتار و فعالیت هایی دارد که هم حقیقی و هم عاقلانه است (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۵۶).

در گام آخر نظریه پرداز با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی به ارائه درمان می پردازد. آنچه مسلم است، اینکه حتی ساده ترین عبارات در مورد حقایق نیز رگه هایی از تجویز در خود دارند (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۱۸۱). به عبارتی دیگر حتی اگر یک بینش جامعه از حقایق منطقی به خودی خود راه حل مشخصی ارائه نکند، ولی به وضوح رفتارهایی را موجب می شود که می توان آن ها را منطقی تلقی کرد (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۱۸۲). و شمول تجویزی آن ها بر اساس احکام واقعی موجود بر همگان عیان است. یک بینش کاملاً جامعه از آنچه که هست به خصوص در گستره سیاسی، باید شامل ارزیابی دقیق از قابلیت ها، امکانات، محدودیت ها، ضرورت ها و حقایق باشد (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۱۸۹). به طور خلاصه باید اذعان کرد که دانشی که نظریه پردازان ارائه می کنند، تمایلات درمانی نیز دارد و ثمره بینش روشنگرانه، عقل عملی و یا به قول اسپریگنز نوعی علم نجات است (اسپریگنز، ۱۳۹۵: ۲۳۵).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت‌ترانست‌العلم الاسلامی

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی، تحلیل و مقایسه ای است. روش مطالعه در این نوشتار، بهره گیری از منابع کتابخانه ای و مقایسه جریان های عدالت گرا از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ است. در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است (ربیعی و سیاوشی، ۱۴۰۱: ۱۴۰)؛ به عبارت دیگر، این تحقیق ابتدا با توصیف و تحلیل جریان های عدالت گرا به دنبال توصیف منظم مولفه های جریان ها و مقایسه ویژگی ها و صفات هریک از جریان ها در مراحل چهارگانه اسپریگنز است.

اما از سوی دیگر مطالعات تطبیقی یکی از قدیمی ترین روش های قدیمی پژوهش محسوب می شود. در قرن هجدهم هیوم و آدام اسمیت روش کارهای خود را «روش مقایسه مستمر» می نامیدند. در قرن نوزدهم جامعه شناسان اهتمام ویژه ای بر مقایسه پدیده ها و فرایندهای اجتماعی در میان ملت های مختلف داشتند. وبر^۱ (۱۳۷۱) و دورکیم^۲ (۱۳۷۳: ۱۳۹) به روش مقایسه ای در پژوهش های خود توجه نشان داده اند. از یک منظر جامعه شناسی مقایسه پدیده های اجتماعی درون موقعیت و مناسبات خاص است و فهم پدیده، موکول به درک تفاوت های این موقعیت و مناسباتی است که پدیده را تولید و بازتولید می کنند. در علوم اجتماعی مدرن، مقایسه، اساس فهم و معرفت بشری است. «مقایسه درونی» ناظر بر مطالعه یک پدیده خاص در طول زمان در فرهنگ های مختلف و درون فضای مشخص به منظور شناسایی تحولات آنست. مقایسه بیرونی به معنای مطالعه و مقایسه دو یا چند پدیده مختلف با همدیگر در زمان حال یا گذشته، در دو یا چند جامعه مختلف، برای فهم تحولات آنهاست که شباهت ها و تفاوت های الگوی تحول آنها را آشکار می کند (بریور، ۲۰۰۳: ۲۳-۲۴) و (فرهادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۹).

تاکنون تلاش های زیادی برای ترسیم مرزهای علم اجتماعی مقایسه ای در معنای خاص آن، صورت گرفته است؛ اما هنوز هم توافق کمی درباره حیطه آن وجود دارد. برخی تحقیق مقایسه ای را به عنوان تحقیقی که از داده های مقایسه پذیر از حداقل دو جامعه استفاده می کند، تعریف کرده اند (راگین، ۱۹۸۷: ۴۹) و برخی دیگر تلاش کرده اند تا علم اجتماعی مقایسه ای را بر حسب خصیصه چندگانگی سطوح تحلیل و مشاهده در آن، تعریف نمایند (معمار، ۱۴۰۳: ۷۱) اما راگین^۳ (راگین، ۱۹۸۷: ۳-۷) ضمن نقد این معیارها، جامعترین تعریف را از یک تحقیق مقایسه ای ارائه می کند. به اعتقاد وی علم

1. Weber, M
2. Durkheim, E
3. Ragin, C



اجتماعی مقایسه ای بر حسب اهداف خاص اش، بهتر تعریف می شود. در يك سطح بسیارکلی، مقایسه گران علاقمند به شناسایی (تبیین و تفسیر) تشابه ها و تفاوت ها میان واحدهای کلان اجتماعی هستند. لذا واحدهای کلان اجتماعی، برای سرلوحه قرار دادن علم اجتماعی مقایسه ای، محوریت دارند؛ زیرا آنها اجزای اساسی تبیین هایی هستند که مقایسه گران مطرح می کنند.

مقایسه درون کشوری / موارد محدود

مقایسه واحدهای خرده ملی مشابه بین واحدهای ملی مجزا، یکی از قدرتمندترین استراتژی ها برای نیل به استنباط های علی معتبر، نسبت به مقایسه واحدهای ملی است. واحدهای تحلیل و مشاهده در مطالعات درون کشوری، در مقایسه با مطالعات بین کشوری، بسیط ترند و از تجانس درونی بیشتری برخوردارند. لذا مقایسه پذیری توان مقایسه ای واحدهای تحلیل و نتیجتاً تحلیل های مقایسه ای درون سیستمی، بیش از تحلیل های مقایسه ای بین سیستمی است.

از سوی دیگر پژوهش ها بر حسب تعداد موارد مقایسه به سه نوع استراتژی کلی مقایسه ای تقسیم می شوند. مقایسه موارد زیاد؛ مقایسه موارد اندک (مطالعات مقایسه ای چندموردی) و مقایسه های تک موردی. در پیش گرفتن استراتژی اول، به مطالعات مقایسه ای کمی و اتخاذ استراتژی های دوم و سوم، به بررسی های مقایسه ای کیفی منجر می شوند. از منظری دیگر، تعداد موارد مقایسه با سطح انتزاع تحلیل مقایسه ای، ارتباطی وثیق دارد؛ به نحوی که می توان گفت: هرچه تعداد موارد مقایسه بیشتر باشد، با مفاهیم انتزاعی تر و غیرمستقیم تری سروکار داریم (لندمن^۱، ۲۰۰۰: ۲۳-۲۲). با توجه به محدوده پژوهش انتخاب شده و موارد مورد مقایسه پژوهش حاضر در میان روش های مقایسه به مقایسه نمونه های درون کشوری و مقایسه موارد محدود پرداخته است که براین اساس در این پژوهش از روش کیفی مقایسه استفاده شده است.

یافته های پژوهش

اصلی ترین جریان های عدالت گرا در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ براساس جریان های عدالت گرای چپ، روحانیت انقلابی و نهضت آزادی دسته بندی شده و با مطالعه دیدگاه برجسته ترین متفکرین هر جریان مراحل چهارگانه نظریه بحران اسپیکنگز در هریک از جریان ها بازسازی شد. مقصود از جریان های عدالت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية تراسف العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های باسی جهان اسلام

۵۶

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

1. Landman, T

گرا در این پژوهش دسته‌ای از جریان‌های فکری سیاسی در تاریخ معاصر ایران هستند که ناظر به عدالت اجتماعی به ارائه نظریات خود پرداخته‌اند. جریان فکری سیاسی به معنای یک طیف گسترده فکری، اعتقادی، سیاسی و ایدئولوژیک است. یک جریان شامل چندین گروه، حزب، جناح و تشکل است که از نظر اعتقادی، فکری، سیاسی، ایدئولوژی، اهداف و روش‌های مبارزه سیاسی با هم دارای اشتراکاتی می‌باشند. جریان فکری سیاسی دارای مبدأ یا منشأ، مسیر یا بستر و مقصد یا هدفی است که در آن روان است. هدف‌های یک جریان تسلط بر حاکمیت سیاسی در یک جامعه و استقرار ارزش‌ها و نظام سیاسی مورد نظر خود است (دارابی، ۱۳۸۸: ۴۱).

مرحله نخست: مشاهده بی‌نظمی؛ شکاف طبقاتی و نابرابری فراگیر

الف. جریان چپ

احسان طبری به عنوان برجسته‌ترین نظریه پرداز حزب توده مهم‌ترین اشکال رژیم پهلوی را آن می‌داند که به قصد تأمین منبع غارتگری خود و اربابان امپریالیستی خویش، جامعه ایران را به ویژه در شهرهای بزرگ به جامعه مصرفی وسیع بدل کرده که فاقد پایه ضروری تولیدی است. رژیم پهلوی به اتکاء درآمد نفت و به اتکا ادامه فقر وسیع‌ترین قشرهای مردم و عقب ماندگی عمومی کشور از عهده این این تناقض عجیب و بی‌تناسبی شگفت بین مصرف و تولید در قشرهای فوقانی و متوسط مرفه برآمده است (طبری، ۱۳۵۸: ۱۷). از نظر وی تضاد عمده جامعه ما عبارت است از تضاد همه مردم ایران با امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن، تضاد با سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ. لذا وظیفه مقدم زحمتکشان و همه نیروهای مترقی ایران در درجه اول توجیه مساعی برای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای نیل به استقلال و دموکراسی است (طبری، ۱۳۵۵: ۸۵).

بیژن جزینی نیز به عنوان یکی از سردمداران چریک‌های فدائی خلق بود اتخاذ رویکردهای پلیسی و سرکوب سازمان‌های سیاسی اصلی‌ترین مشکل عصر پهلوی دوم می‌دانست. از نظر وی این رویکردها موجب آن شد تا جنبش طبقه کارگر آن یکپارچگی خود را از دست بدهد و پیشاهنگی نصیب دیگر گروه‌ها شود (نادری، ۱۳۸۷: ۳۵). همچنین دکتر نخشب‌زمینه بی‌عدالتی در نظام اقتصادی سیاسی ناعادلانه و روابط ضدعدالت را سرمایه داری می‌داند زیرا جمع فراوانی از مردم در نابسامانی دستگاه و وجود روابط غیر عادلانه اقتصادی و سیاسی که منجر به استثمار و غارتگری مردم بیگناه و محروم می‌شود، شریک اند (نخشب، ۱۳۸۱: ۱۱۰). همچنین خلیل ملکی در مرحله مشاهده بی‌نظمی، علت رنج و محرومیت طبقات زحمتکش



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

را توسل قدرتمندان و صاحبان ثروت به سرنیزه و قدرت می داند. طبقات محروم با پیوستن به صف آزایی انقلاب جز زنجیرهای اسارت چیزی را از دست نخواهند داد (آذری شهررضایی، ۱۳۹۶: ۲۰۵۶-۲۰۶۰).

ب. جریان روحانیت انقلابی

از نظر امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی محرومیت ملت ایران از امکانات اولیه زندگی و فقر و تهیدستی که محرومیت بخش قابل توجهی از جامعه ایرانی از تحصیل شده از برجسته ترین نمودهای نابرابری در جامعه ایران است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۲: ۴۸۱). امام خمینی (ره) همچنین بر این باور است که استثمار سرمایه داران خارجی در کنار استعمار پهلوی دوم موجب شده تا حق کارگران و زحمتکشان شریف و محروم ایران پای مال شود (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۵: ۱۷۲).

از سوی دیگر آیت الله سید محمد بهشتی به عنوان یکی از متفکران موثر انقلاب اسلامی بر مسئله تقسیم عادلانه و برادرانه امکانات زندگی در این کشور بر همه مردم و امکانات کار بر همه مردم تاکید می کرد که با حل شدن آن سایر مسائل انقلاب حل شدنی نیست (بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۹). وی در خصوص اهمیت عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی معتقد بود:

«بالا بروید یا پایین بیایید، اصلاً قرآن رابر سر جامعه ای پهن کنید، مادام که در آن جامعه در یک سو گرسنه بیچاره از سرما لرزان وجود دارد، و از سوی دیگر متنعمان برخوردار از همه چیز، این جامعه لجن است. تمام چهره اش را هم که با قرآن بپوشانید باز لجن است (بهشتی، ۱۴۰۰، ۱۰۸).»

ج. جریان نهضت آزادی

آیت الله طالقانی در تحلیل بی نظمی در این دوران معتقد بود: در چنین شرایطی که سررشته پول در دست طبقه ای قرار گرفت، سررشته های سرمایه های انسانی، طبیعی، سیاست و حکومت هم به دنبال آن در دست همان طبقه قرار می گیرد، طبقه محروم و بی نوا در برابر طبقه مالک و متصرف در اموال و نفوس، که عموماً حکومت هم در دست دارند، صف بندی می کنند (طالقانی، ۱۳۸۸: ۳۲).

از نظر مهندس مهدی بازرگان یکی از برجسته چهره های نهضت آزادی همه نابسامانی ها و بدبختی های ملت ایران در دیکتاتوری شاه خلاصه می شد، به طوری که اگر شاه دست ازدیکتاتوری برمی داشت همه چیز روبراه می گشت. در تحلیل های بازرگان عامل استعمار و امپریالیسم و نظام های ضد خلقی و مناسبات استعماری جایی نداشت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۲۰، ص ۴). بازرگان استبداد و فقدان عدالت و آزادی در کنار نبودن حکومت ملی و قانون را بی نظمی برجسته در جامعه ارزیابی می کرد (بازرگان، ۱۳۹۸، ۲۴: ۱۱۲).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای باسی جهان اسلام

مرحله دوم: تشخیص علت

الف. جریان چپ

در مرحله تشخیص علت نابرابری جزئی جامعه ایرانی را ترکیبی از بورژوازی کمپرادور و سرمایه داری ارزیابی می کند که در واقع نیمه فنودال- نیمه مستعمره است. منظور جزئی از بورژوازی کمپرادور طبقه ای است که زندگی و رشد خود را در گرو وابستگی به انحصارات امپریالیستی می بیند و بدون دردسر روابط نواستعماری را در اینجا جایگزین روابط کهنه استعماری سازند (جزئی، ۱۳۸۱: ۴). از نظر این گروه علت نابرابری در جامعه را تضاد بین خلق ایران و امپریالیسم است. وابستگی رژیم فاسد و وابسته شاهنشاهی به امپریالیسم موجب نابرابری شدید طبقاتی، سرکوب و استثمار گسترده مردم شده بود که باعث سرخوردگی، نابرابری و بی عدالتی های عمیق شده است (احمدزاده، ۱۳۴۹: ۴، ۸، ۲۰، ۲۳).

خلیل ملکی تضاد طبقاتی و نابرابری در جامعه را اصلی ترین علت بی عدالتی ارزیابی می کند. از نظر وی تمرکز ثروت و غنای مطلق در یک قطب اجتماعی در دست تعدادی قلیل از صاحبان زور و زر و در مقابل محرومیت اکثریت قاطع مردم از ضروریات زندگی موجب ناپایداری و فقدان تعادل شده است (آذری شهرضایی، ۱۳۹۶: ۲۰۵۶-۲۰۶۰). رژیم سرمایه داری خصوصی که حتی برای اروپائیان مرفقی غیر از مشکلات و فقر و نکبت چیز دیگر بار نیاورده (آذری شهرضایی، ۱۳۹۶، ۳۱۰۰) و رژیم غیر عادلانه ارباب و رعیتی که امروز در تولید کشاورزی حاکم است، مانع تولید زراعتی و استقرار نظام عدالت اجتماعی شده است (آذری شهرضایی، ۱۳۹۶، ۳۳۳۹).

ب. جریان روحانیت انقلابی

امام خمینی (ره) تضاد طبقاتی موجود در جامعه و سوء استفاده از ثروت عمومی جامعه را خلاف عدالت اسلامی می داند که وظیفه علمای اسلامی آن است که با عمل به احکام اسلام سرمایه های موجود را تعدیل سازند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۴: ۱۹۴). از سوی دیگر شرایط اختناق و نظام شاهنشاهی موجب شده تا ثروت ملی به سرمایه داران اختصاص یافته و مردم ایران با دست به گریبان بودن با فقر و فلاکت مجبور به عملگی برای چپاولگران باشند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۳: ۷۲).

ج. جریان نهضت آزادی

به باور طالقانی، در ایران از سده های گذشته همواره پیشوایان دینی با صاحبان قدرت همدست شده اند و نفوس و اموال مردم را مورد تجاوز قرار داده اند و از این رهگذر ایمان ها مردم را سست و اختلاف طبقاتی را تشدید کرده اند (طالقانی، ۱۳۸۸: ۱۱). افزون بر این در نگاه طالقانی در هر مجتمعی که وضع مالکیت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

و اقتصاد در آن از اعتدال خارج شود، انهدام و نابسامانی نمایان می‌گردد. آیت‌الله سید محمود طالقانی معتقد است ربا به عنوان یکی از مصادیق انحراف از روابط سالم و طبیعی آثار روحی و نتایج خطیر اجتماعی در پی دارد، دانشمندان بصیر و آزاد، رباخواری را منشأ ظلم و بردگی و بروز طبقات متخاصم و انقلاب‌های خونین اعلام کرده‌اند (طالقانی، ۱۳۸۸: ۳۳).

مرحله سوم: تصویر جامعه احیا شده

الف. جریان چپ

مبارزه با دیکتاتوری شاه مقدمه آزادی طبقه کارگر بهبود شرایط اجتماعی وی خواهد بود. دیکتاتوری شاه بیش از همه مانع حرکات طبقه کارگر، حتی برای تامین شرایط بهتر کار و زندگی است. زحمتکشان در زیر این فشار کوچکترین حقی برای مطالبات اقتصادی و سیاسی خود ندارند... رهایی طبقه کارگر از استثمار سرمایه داری وابسته تنها از مبارزه با دیکتاتوری شاه ممکن است (جزنی، ۱۳۸۱: ۲۸).

از دیدگاه دکتر نخشب (از برجسته ترین اندیشمندان نهضت خدایپرستان سوسیالیست) با استقرار سوسیالیسم و پایان دادن به شرایط ناعادلانه کنونی عدالت اجتماعی محقق می‌شود. نخشب طرفدار یک تحول عمیق و اساسی سوسیالیستی است که در سایه آن شرایط مساوی و مساعد جهت کار و فعالیت و بروز استعدادات خیره کننده انسانی به همه اعطا گردد و فقر و بیکاری و زبونی و ناتوانی از اجتماع ستمدیده رخت بریندد (نخشب، ۱۳۸۱: ۱۶). دکتر نخشب سوسیالیسم را نموداری از افکار انسانی جهت رهایی از فقر و استثمار و بی عدالتی و مظهر عدالت خواهی و حق طلبی و سایر عواطف پاک و نیرومند انسانی می‌داند (نخشب، ۱۳۸۱: ۳۰۵ و ۱۷۸) از نظر نخشب با استقرار سوسیالیسم آزادی سیاسی هم برقرار خواهد شد (نخشب، ۱۳۸۱: ۲۳۶).

ب. جریان روحانیت انقلابی

در اندیشه امام خمینی (ره) حکومت اسلامی نظامی عادلانه است که علاوه بر تامین منافع گروه های ضعیف و زاغه نشین منافع همه گروه های جامعه را تامین نماید. البته لازمه تحقق عدالت رساندن وضع محرومین به ثروتمندان است (امام خمینی (ره)، ، ۱۳۷۸، ۴: ۲۰۳). عدالت ویژگی بازر جامعه احیا شده اسلامی در سخنرانی های امام خمینی (ره) است که از ویژگی های حاکم اسلام حفاظت از بیت المال و مراقبت از آن ذکر شده است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۳: ۵۰۲). شهید بهشتی نیز هدف اسلام را برقرار کردن عدل و قسط در جامعه و به وجود آوردن اعتدال کامل در امت و جامعه اسلامی می‌داند. در چنین



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی
پژوهشهای باسی جهان اسلام

۶۰

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

جامعه ای اگر عدالت همه جانبه برقرار بود محیط برای رشد و تکامل فراهم است و روند عمومی حرکت تکاملی جامعه هماهنگ با روند تکاملی کل جهان خواهد بود. در مقابل هر نوع بی عدالتی موجب اختلال، فساد، ارتجاع و سقوط خواهد شد (بهشتی، ۱۳۹۴: ۴۰۴).

ج. جریان نهضت آزادی

بازرگان دموکراسی دینی خود را که تلفیقی از عناصر و اصول دینی و دموکراتیک از قبیل آزادی، تقوا، عدالت، اطاعت از حاکم منتخب مردم، مشارکت و مشورت با مردم، رای اکثریت، تساهل و اقتصاد اسلامی را صرف نظر از سازگاری و یا عدم سازگاری عناصر دینی و دموکراتیک طراحی می کند. در نگاه وی عناصری چون آزادی های مدنی، مساوات و برابری، اقتصاد آزاد و رقابت، کوچک سازی دولت برجستگی بیشتری دارد (غفاری و محمدزاده، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

طالقانی مقابله با ربا و کنزاندوزان را نمادی از تصویر جامعه احیا شده قلمداد کرده و شخصیت ابوذر در تفکر وی از این جهت برجسته است: سازندهی نظام اقتصادی اسلام است. نظامی که نماد آن ابوذر غفاری است با قیامی که در برابر رباخواران قریش بود. ابوذر نماینده یک حزب سیاسی بود: «ابوذر و همفکران و همقدمان او می کوشیدند که وضع را بر طبق کتاب و سنت تغییر دهند و عثمان را وادار کنند تا بیت الملل میان مسلمانان از هر نژاد و طبقه ای باشند به تساوی تقسیم شود و از گنجینه کردن جلوگیری نمایند (طالقانی، ۱۳۴۴: ۱۹۶).

مرحله چهارم: راه درمان

الف. جریان چپ

چپ های معتقد به مشی مارکسیسم راه ایجاد جامعه عادلانه را مبارزه مسلحانه دانسته و معتقد بودند اعمال قهرآمیز انقلابی در این شرایط از تاکتیک هایی تشکیل می شود که تنها جریان های سازمان یافته و پیشرو می توانند مبارزه چریکی شهری و هسته های چریکی در مناطق روستایی را به کار بندند. جزئی مبارزه مسلحانه را مبارزه برای برداشتن سد راه جنبش و آن را به معنی وارد آوردن ضرباتی مستمر بر رژیم حاکم می داند که با هدف بسیج و سازماندهی نیروی توده ها صورت می گیرد (جزنی، ۱۳۵۳: ۷). احمد زاده با ضروری دانستن مبارزه مسلحانه آن را شرط پیروزی انقلاب ارزیابی کرده بود. وی مبارزه مسلحانه طولانی را تنها راه مبارزه می دانست زیرا بسیج توده ها جز از راه مبارزه مسلحانه امکان پذیر نیست (احمد زاده، ۱۳۴۹: ۳۳ و ۴۲).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

اما از نظر دکتر نخشب عدالت اجتماعی از رهگذر انقلاب عظیمی عبور می‌کرد که شرایط عادلانه برای زندگی همه طبقات را فراهم سازد. از نظر نخشب تنها و تنها از راه مبارزه دامنه دار و وسیع محرومین اجتماع و قیام ناراضیان این مرز و بوم است که کار یکسره خواهد گشت و به این رژیم منحوس طبقاتی و به این روابط اقتصادی و سیاسی ظالمانه پایان داده خواهد شد (نخشب، ۱۳۸۱: ۱۱۰) و (نخشب، ۱۳۸۱: ۱۴۷) وی همچنین سوسیالیسم را تنها راهی می‌دانست که ملت ما را از این همه فقر و عذاب و بدبختی و پریشانی‌ها می‌بخشد و تنها راه علاج اجتماع ما از تضادهای بی‌پایان رژیم سرمایه داری است (نخشب، ۱۳۸۱: ۱۷۷). برای ایجاد یک جامعه سعادت‌مند، برای مبارزه با حکومت ظلم و بیداد، برای تأمین عدالت اجتماعی، بالاخره برای خاتمه دادن به حکومت و فرمانروایی پول و این جریان کثیف بورژوا بیش از همه نیاز به اشاعه فکری است که موجب سوسیالیسم واقعی و آزادی حقیقی باشد (نخشب، ۱۳۸۱: ۱۶). از سوی دیگر خلیل ملکی اصلاح مالکیت و روابط ارباب رعیتی میان مردم را لازمه استقرار عدالت اجتماعی دانست. از نظر وی رژیم مالکیت قرون وسطایی یا ارباب رعیتی مانع بزرگی پیش پای رشد اقتصادی است (آذری شهرزایی، ۱۳۹۶، ۳۱۸۰). از نظر ملکی هدف باید تغییر دادن رژیم مالکیت باشد نه فقط تحدید آن (آذری شهرزایی، ۱۳۹۶، ۳۱۳۰).

ب. جریان روحانیت انقلابی

امام خمینی (ره) راه حل رسیدن به حکومت عدل اسلامی را برکناری پهلوی دوم و از بین رفتن نظام طاغوت می‌دانست. زیرا با انقلاب استقلال داخلی مهیا شده و زمینه دست درازی خارجی‌ها بر منافع ملی فراهم می‌شود (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۴: ۴۶۷) اما پیش نیاز همه اقدامات اصلاحی را رفتن شاه می‌دانست که در این شرایط توزیع ثروت و درآمدها براساس عدالت اسلامی تعیین شده و وضع توده‌ها بهبود می‌یابد (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۴: ۵۱۶).

شهید بهشتی نیز راه رسیدن به وضعیت عدالت اجتماعی را اجرای دستورات اسلامی همچون جهاد و امر به معروف با هدف برکناری هیئت حاکمه ستمگر می‌دانست. از نظر وی جهاد برقراری عدل اقتصادی خود کاری قربه الی الله است (بهشتی، ۱۳۹۱: ۸۶) و شهید بهشتی در سخنانی ادعای خود را این چنین تصریح می‌کند:

فرد فرد شما باید بدانید راه رسیدن به سعادت و راه رسیدن به حکومت حق و عدل این است که شما از طریق امر به معروف و نهی از منکر به چنین هدفی برسید (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

ج. جریان نهضت آزادی

اگرچه طالقانی ریشه‌ی همه مبارزات بشری را «امتیازات طبقاتی چون اهانت و تحقیر یک اقلیت به هم پیوسته نسبت به اکثریت خلق خدا می‌داند و معتقد است در مبارزات اجتماعی نفی کلی امتیازات و اثبات تساوی در حقوق می‌باشد اما برخلاف دیدگاه‌های مارکسیسم انحراف یا محدود کردن این هدف به سوی مبارزات طبقاتی رسیدن به مقصد اصلی را غیر ممکن دانسته و معتقد است مبارز طبقاتی ماحی طبقات نیست.» (طالقانی، ۱۳۴۴: ۳۱۴-۳۱۵)، بلکه معتقد است راه استقرار عدالت اجتماعی با ایمان و مسئولیت اجتماعی و عواطف انسانی مستقر خواهد شد. وی جوامع شرقی را مثالی از جوامع معتقد به فضایل انسانی می‌داند که علی‌رغم اختلاف سطوح طبقاتی، اجتماعات در چنین جوامعی کمتر دچار بحران و اختلاف سطح طبقاتی شده‌اند (طالقانی، ۱۳۸۸: ۳۳).

وی همچنین با اشاره به عبارت «وازلنا الحديد» در آیه سوره حدید، نحوه استقرار عدالت اجتماعی را قیامی می‌داند که براساس آن انسان‌های هشیار و آگاه با پیروی از رهبری در حیات اجتماعی و مسئولیت‌هایی که دارند، افراد ضد قسط یعنی افرادی که انسان‌ها و جوامع را واژگون می‌کنند را با استفاده از آهن سرجایشان بنشانند (طالقانی، ۱۳۶۰: ۷۲). در نگاه بازرگان اسلام برای رفع جنگ و اختلاف و ظلم، تسلط یک طبقه و زوال طبقه دیگر را کافی ندانسته، انقلاب عمیق عقاید و اخلاقیات و گذشتن یک زمان طولانی کافی با برخورداری تمام عوامل و رشد بشریت را لازم می‌داند تا در پایان آن صلح و عدالت و سعادت گسترده شود (بازرگان، ۱۳۸۵، ۱۱: ۱۱۲).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۶۳

مطالعه تطبیقی مسئله عدالت در جریان‌های عدالت‌گرا ..

جریان‌های فکری معاصر	مشاهده بی‌نظمی	تشخیص علل	تصویر جامعه احیا شده	راه درمان
چپ	تضاد همه مردم ایران با امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن/تبدیل شدن جامعه ایران به جامعه مصرفی	تسلط بورژوازی کمپرادور و تسلط انحصارات سرمایه دارانه آن‌ها/استقرار رژیم سرمایه داری خصوصی/تکثیر و سرمایه داری مالی	رهایی طبقه کارگر از استثمار سرمایه داری/استقرار سوسیالیسم و پایان دادن به شرایط ناعادلانه کنونی از طریق یک تحول عمیق و اساسی	تدارک قهرآمیز انقلاب از سوی طبقه پیشاهنگ/مبارزه مسلحانه مستمر و طولانی چریکی شهری و روستایی/انقلاب عظیم اجتماعی و پایان دادن به رژیم منحوس طبقاتی و به این روابط اقتصادی و سیاسی ظالمانه

سرنگونی شاه و دست برداشتن اجانب از سرملت ایران/ جهاد برای برقراری عدل اجتماعی/ اصلاح نظام مالکیت	برپایی حکومت اسلامی و استقرار نظام عدل اسلامی	عدم تعادل در سرمایه داری/ نظام استبدادی پهلوی در خدمت سرمایه داران غربی است	تقسیم عادلانه و برادرانه امکانات زندگی در این کشور بر همه مردم و امکانات کار بر همه مردم/ نظام اقتصادی ناعادلانه و روابط ضد عدالت سرمایه داری	روحانیت انقلابی
انقلاب عمیق در عقاید، اصلاح روابط فردی و سپس استفاده از زور و قدرت برای اقامه قسط	اصول دینی و دموکراتیک از قبیل آزادی، تقوا، عدالت، اطاعت از حاکم منتخب مردم، مشارکت و مشورت با مردم، رای اکثریت در جامعه برپا شده و از سوی دیگر مقابله با ربا و کزازاندوزان نیز ضروری است	هم دستی پیشوایان دینی با صاحبان قدرت/ بروز ربا خواری انحراف از روابط سالم و طبیعی که موجب بروز برده داری شده است.	در صورتی که سررشته پول در دست طبقه ای قرار گرفت، سررشته های سرمایه های انسانی، طبیعی، سیاست و حکومت هم به دنبال آن در دست همان طبقه قرار می گیرد/ استبداد و فقدان عدالت و آزادی در کنار نبودن حکومت ملی و قانون	نهضت آزادی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام
جمعیة نراسف العالم الاسلامی

نمودار ۱: خلاصه مقایسه جریان های عدالت گرا در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ شمسی ، منبع: نگارنده

۶۴

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

نتیجه گیری و پیشنهادها

جریان ها و گرایش های مختلف فکری در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در اصول عدالت اجتماعی اشتراکاتی باهم یافتند. تقریباً همه اندیشمندان جریان های مذکور متفق اند که فقدان عدالت اجتماعی و شرایط نابرابر ساز موجب بروز تضادهای آشکار در جامعه ایرانی شده است. اهمیت پرداختن به مسئله عدالت اجتماعی در دهه های پیش از انقلاب اسلامی اگرچه جریان های چپ بیش از سایر جریان های عدالت گرا به مقوله عدالت اجتماعی و ضرورت انقلاب برای تحقق عدالت اجتماعی پرداختند، اما این مفهوم در جریان روحانیت انقلابی در کنار ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و در جریان نهضت آزادی در کنار ضرورت آزادی جامعه جایگاه خود را کسب کرد.

براساس نظریه بحران اسپریگنز در مرحله مشاهده بی نظمی جریان چپ اصلی ترین تضاد جامعه ایران را تضاد با امپریالیسم و نظام دست نشانده پهلوی می داند که این بحران موجب تبدیل جامعه ایران به جامعه مصرفی شده است. در جریان های روحانیت انقلابی و نهضت آزادی نیز در این مرحله شاهد آن هستیم که «نظام اقتصادی ناعادلانه و روابط ضد عدالت سرمایه داری» و افزایش فقر در طبقات مختلف به عنوان اصلی ترین علل بی نظمی تشخیص داده شده است. در حالی که جریان چپ براساس ایده های مارکسیستی معتقد است تسلط بورژوازی کمپرادور و تسلط انحصارات سرمایه دارانه آن ها علت ناعدالتی در جامعه ایران است، جریان روحانیت انقلابی عدم تعادل در سرمایه داری و نمایندگی برخی از تجار داخلی از استعمار اقتصادی خارجی را علت وضعیت جامعه ایران تشخیص داده اند.

تفاوت اصلی میان جریان روحانیت انقلابی و چپ در تصویر جامعه احیا شده و راه درمان پررنگ تر می شود. در حالی که جریان چپ به «تدارک قهرآمیز انقلاب از سوی طبقه پیشاهنگ» می اندیشید تا عدالت را از طریق «مبارزه مسلحانه مستمر و طولانی مدت چریکی شهری و روستائی» آغاز کند، جریان روحانیت انقلابی «برپایی حکومت اسلامی و استقرار نظام عدل اسلامی» را کافی نمی دانست و معتقد بود از طریق «اصلاح نظام مالکیت»، عدالت اجتماعی مستقر خواهد شد. اما جریان نهضت آزادی که به دنبال دولت حداقلی بود، با فروکاهیدن عدالت به اخلاق فردی به دنبال آزادی های مدنی، مساوات و برابری، اقتصاد آزاد، رقابت و کوچک سازی دولت بودند.

برداشت از عدالت در جریان روحانیت انقلابی و نهضت آزادی، هرچند در نقد نظم ناعادلانه پهلوی اشتراک دارد، اما در تبیین علل بی عدالتی و تصور نظم جایگزین متفاوت است. جریان روحانیت انقلابی، بی عدالتی را پدیده ای ساختاری و ناشی از سلطه سرمایه داری وابسته، تمرکز ثروت و فاصله گرفتن نظام



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

سیاسی از عدالت اسلامی می‌داند و بر این اساس، تحقق عدالت را منوط به تغییر بنیادین ساختار قدرت و استقرار حکومت اسلامی قلمداد می‌کند. در مقابل، نهضت آزادی بی‌عدالتی را بیش از آنکه حاصل ساختار اقتصادی بداند، نتیجه استبداد سیاسی، فقدان حاکمیت قانون و ناکارآمدی نهادهای حکمرانی می‌بیند و معتقد است عدالت اقتصادی در پرتو قانون‌گرایی، دموکراسی و توسعه تدریجی محقق می‌شود. از این منظر، عدالت در اندیشه نهضت آزادی نه محصول انقلاب اجتماعی، بلکه پیامد اصلاح نهادی و رعایت حقوق شهروندی است؛ در حالی که در اندیشه روحانیت انقلابی، عدالت مفهومی دینی-ارزشی و معیار اصلی مشروعیت نظم سیاسی به شمار می‌آید. در مجموع به رغم شباهت‌های موجود میان سه جریان مذکور در مراحل نخست اسپریگنز، تفاوت‌های جریان‌ها در مراحل بعدی یعنی «تصویر جامعه احیا شده» و «راه درمان» پررنگ‌تر شده و تفاوت‌های خود را به خوبی نشان می‌دهد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعه نرست العالم الاسلامی

فهرست منابع

کتاب ها

- احمد زاده، مسعود (۱۳۴۹) جزوه «مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک»
- آذری شهررضایی، رضا (۱۳۹۶) مجموعه مقالات خلیل ملکی، اختران، دات، کتاب آبه اسپریگنز، توماس (۱۳۹۵) فهم نظریه های سیاسی (ترجمه: رجایی، فرهنگ) نشر آگه
- امام خمینی (ره)، (۱۳۷۸) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۳
- امام خمینی (ره)، (۱۳۷۸) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۴
- امام خمینی (ره)، (۱۳۷۸) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۵
- امام خمینی (ره)، (۱۳۷۸) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۲
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۵) مجموعه آثار دکتر بازرگان، جلد ۱۱، مباحث اعتقادی و اجتماعی، شرکت سهامی انتشار بازرگان، مهدی (۱۳۹۸) «مجموع آثار بازرگان ۸»، مباحث علمی، اجتماعی و اسلامی»، شرکت سهامی انتشار بازرگان، مهدی (۱۳۹۸) مجموعه آثار دکتر بازرگان، جلد ۲۴، انقلاب اسلامی (۳)، شرکت سهامی انتشار بهشتی، سید محمد (۱۳۷۸) حق و باطل از دیدگاه قرآن، حق و باطل از دیدگاه قرآن (به انضمام «تسلیم حق بودن»)، انتشارات روزنه
- بهشتی، سید محمد (۱۴۰۰) بایدها و نبایدها، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن، انتشارات روزنه
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰) ولایت، رهبری، روحانیت، انتشارات روزنه
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۱) حق و باطل از دیدگاه قرآن، انتشارات روزنه
- بهشتی، سید محمد (۱۳۹۴) شناخت اسلام، انتشارات روزنه
- جزنی، بیژن (۱۳۸۱) طرح جامعه شناسی و مبانی استراتژیک جنبش انقلابی ایران بخش اول - اقتصادی، سازمان اتحاد فداییان خلق ایران
- جزنی، بیژن (۱۳۵۳) رابطه جنبش انقلابی مسلحانه با خلق «رابطه پیشاهنگ با توده» سازمان اتحاد فداییان خلق ایران (تنظیم و بازنشر زمستان ۱۳۲)
- دارابی، علی (۱۳۸۸) جریان شناسی سیاسی در ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی روزنامه اطلاعات (۱۳۵۸/۸/۲۰)
- طالقانی، سید محمد (۱۳۴۴) اسلام و مالکیت: در مقایسه با نظام های اقتصادی غرب، شرکت سهامی انتشار
- طالقانی، سید محمد (۱۳۶۰) تبیین رسالت برای قیام به قسط، شرکت سهامی انتشار
- طالقانی، سید محمد (۱۳۸۸) مباحث اقتصادی، شرکت سهامی انتشار
- طبری، احسان (۱۳۵۵) درباره حزب نکاتی چند درباره تحول حزب به مثابه حزب طراز نوین طبقه کارگر
- نادری، محمود (۱۳۸۷) سازمان چریک های فدایی خلق، چریک های فدایی خلق از نخستین کنش ها تا بهمن ۱۳۵۷، جلد اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی
- نادری، محمود (۱۳۸۷) سازمان چریک های فدایی خلق، چریک های فدایی خلق از نخستین کنش ها تا بهمن ۱۳۵۷، جلد



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

اول، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
نخشب، محمد (۱۳۸۱) مجموعه‌ای از آثار دکتر محمد نخشب، شرکت چاپخش سهامی خاص

مقالات

بهروز لک، غلام‌رضا؛ ضابط‌پورکاری، غلام‌رضا (۱۳۹۱) چالش‌های نظری عدالت اجتماعی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع) سال پانزدهم - شماره ۵۷ (از ۱۰۳ تا ۱۳۶).
جباری، محمدحسین (۱۳۹۴) عدالت در اندیشه دولت‌های جمهوری اسلامی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی.

جمشیدی، محمدحسین؛ درودی، مسعود (۱۳۸۹). مفهوم و شاخصه‌های عدالت سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) (با تأکید بر نظریه عدالت سیاسی راولز). مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۲ (از ۱۷۹ تا ۲۰۵).
خواججه سروی، غلام‌رضا (۱۳۸۶) فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران. نشریه «دانش سیاسی» شماره ۲، (از ۳۵ تا ۳۵).

دانشی کهن، زهره (۱۴۰۲). بازشناسی و تبیین پیش‌انگاره‌های تفسیری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تحقق عدالت اجتماعی. پژوهش‌نامه فقه و علوم اسلامی، شماره ۲ (از ۹۳ تا ۱۱۲).

رضایی، محمدجعفر؛ علی حسینی، علی؛ امام جمعه زاده، سیدجواد؛ آقاسینی، علیرضا (۱۳۹۷) آسیب‌شناسی الگوی عدالت در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه مطهری و امام خمینی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۷ (از ۶۷ تا ۹۵).

عباس تبار، رحمت؛ فولادی، شهربانو (۱۳۹۶) عدالت سیاسی در اندیشه شهید مطهری و راولز در یک نگاه تطبیقی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۱۵ (از ۱۴۹ تا ۱۶۸).

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸) آسیب‌شناسی گفتمان عدالت در دولت دینی. دوفصلنامه معرفت سیاسی، شماره ۱ (از ۱۹۵ تا ۲۲۷).

غفاری، مسعود؛ محمدزاده، علی (۱۳۸۵) حکومت در اندیشه سیاسی مهدی بازرگان، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۸، شماره ۲۰، (از ۱۱۷ تا ۱۳۵).

فرهادی، محمد و کاظمی، علی (۱۳۹۶). مقایسه نقش رضاشاه و آتاتورک در توسعه سیاسی ایران و ترکیه، مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، شماره ۱ (۷۷-۹۹).

قریشی، فردین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ زایرکعبه، رحیم (۱۳۹۶) تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره ۶ (از ۱۴۳ تا ۱۸۰).

معمار، رحمت‌الله (۱۴۰۳) سنخ‌شناسی انواع روش‌های مقایسه‌ای در پژوهش‌های اجتماعی با تأکید بر تحلیل‌های تجمیعی در مقایسه‌های درون‌کشوری. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۲۳، (از ۶۷ تا ۸۸).

منصورنژاد، محمد؛ زمانی معجوب، حبیب (۱۳۹۲) پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۱، (از ۷۶ تا ۱۰۹).
نوراحمدی، محمدجواد؛ خادم علیزاده، امیر؛ امیدوار، سیروس؛ خاندوزی، سید احسان، حاجی جعفری؛ زینب (۱۴۰۰)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۸

سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

بررسی تجربی اندیشه‌های جان رالز و محمدباقر صدر درباره عدالت اقتصادی (رویکرد اقتصاد آزمایشگاهی)،
جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، شماره ۳۵، (از ۳۷ تا ۶۶).
واحدی، سعید؛ حاتمی، محمدرضا؛ موسوی، سیدمحمد (۱۴۰۳) جایگاه عدالت خواهی در اندیشه مطهری و تبلور آن در
گفتمان انقلاب اسلامی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، شماره ۱۸ (از ۲۰۱ تا ۲۱۷).
ربیعی، سینا؛ سیاوشی، مهدی (۱۴۰۱) صورت بندی مفهومی حلقه های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران،
دولت پژوهی ایران معاصر، شماره ۴ (از ۱۳۳ تا ۱۷۱)

Brewer, J (2003). Comparative analysis. In The A-Z of Social Research. Robert L. Miller
and John D. Brewer (Eds). London: Sage

Ragin, C. (1987). The comparative Method: Moving Beyond Qualitative and Quantitative
Strategies. University of California press. California.

Landman, T. (2000). Issues and methods in comparative politics: an introduction. Rutledge.
London and New York.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۴۰۳

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

درخشه، جلال؛ رفیعیان، سجاد (۱۴۰۴)، «مطالعه تطبیقی مسئله عدالت در جریان های عدالت گرا (از ۱۳۴۲ تا
۱۳۵۷)» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۵، ش ۴، زمستان ۱۴۰۴، صص ۶۹-۴۵.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام